

شرح و تفسیر

نی نامه مثنوی معنوی

مهدی سیاح زاده

بخش چهاردهم

برگرفته از کتاب «و چنین گفت مولوی»

مهدی سیاح زاده

انستیتو پژوهش ایران - لس آنجلس - چاپ دوم ۱۳۸۱ (۲۰۰۲)

شرکت کتاب - لس آنجلس - چاپ اول ۱۳۸۹ (۲۰۱۰)

انتشارات مهر اندیش - تهران - چاپ دوم ۱۳۹۴ (۲۰۱۵)

۱۴

محرم این هوش، جز بی هوش نیست

مر زبان را مشتری جز گوش نیست

۱۴/۱

«بی هوش»

بنا به آنچه گفته شد، هنگامی که مانند معجون، «همه لیلی شدیم» و دیگر «خود» نیستیم، آن وقت است که می شویم محرم راز. گیرنده ی ما با فرستنده ی «آدم درون» ما تنظیم می شود. در بیت بعدی نی نامه می بینید مولوی دوباره تکرار می کند که باید «بی هوش» شد، تا به «هوش» رسید.

مولوی با آن که زیاد به صنعت شعری و قافیه و اوزان شعر اهمیت نمی دهد و معنی کلام را فدای این بندها ی شعر نمی کند، اینجا از واژه ی «هوش» به زیبایی، دو مفهوم کاملاً متضاد ساخته است. هوش در اصل به معنی استعداد در درک است و همچنین به معنی روح و جان است. چنان که در جایی دیگر می گوید:

سر مکش اندر گلیم و رو مپوش
که جهان جسمی است سرگردان چو هوش

۱۴۵۴/۴

می بینید در این بیت، مولوی «هوش» را به معنی روح گرفته و می خواهد بگوید که همه ی عالم جسم است و تو روح هستی. پس وقتی می گوید:

محرم این هوش، جز بی هوش نیست

مر زبان را مشتری جز گوش نیست

اولین واژه ی «هوش» در این بیت به معنی روح است و دومین واژه ی هوش به معنی ادراک و زیرکی است.

لغت «محرم»، به معنی خویشاوندی بسیار نزدیک است و همچنین به کسی که بسیار رازدار است اطلاق می شود. پس وقتی می گوید: «محرم این هوش جز بی هوش نیست» در واقع می خواهد درباره ی بیت قبل توضیح بدهد که: اگر می خواهی در این «راه پر خون عشق» گام برداری و راز دار (محرم) روح (هوش) بشوی، باید هوشیاری و زیرکی این جهان مادی را رها کنی. زیرا که هوشیاری و زیرکی، «آدم درون» تو را می ماند و سبب جدایی او از تو می شود. زیرا که هوشیاری و زیرکی از ویژگی های شیطان است. چنانکه در جایی می گوید:

داند او کو نیکبخت و محرم است

زیرکی ز ابلیس و عشق از آدم است

۱۴۰۲/۴

یا به قول حافظ:

بر هوشمند سلسله ننهاده دست عشق

خواهی که زلف یار کشی ، ترک هوش کن
(غزل حافظ با مطلع: «ای نور چشم من، سخنی هست گوش کن»)
پس فقط با از خود جدا شدن (بی هوشی) و به قول
حافظ «حجاب خود را دریدن» و «از میان برخاستن» است که
می توان «محرم هوش» شد. همانگونه که محرم زبان گوش
است:

محرم این هوش ، جز بی هوش نیست
مر زبان را مشتری جز گوش نیست
